

تأثیر متفاوت دینداری بر حوزه‌های عمومی و خصوصی^۱

تقی آزاد ارمکی^۲

فاطمه مدیری^۳

چکیده:

برخی محققین با استناد به تئوری تمایز معتقدند امروزه تأثیر دین بر دیگر حوزه‌های زندگی اجتماعی کاهش یافته و برخلاف سنت هر یک از عرصه‌های زندگی توسط مجموعه-ای از ارزش‌های خود - نه توسط یک مجموعه واحد منسجم - هدایت می‌شوند و برخی دیگر بر اساس تئوری قطعه‌قطعه‌شدن ارزش‌ها مدعی هستند تأثیر دین بر حوزه‌های زندگی اجتماعی یکسان نبوده و بر حوزه‌های خصوصی مانند خانواده بیش از حوزه‌های عمومی مانند کار و سیاست اثرگذار است. هدف این مقاله بررسی ارتباط میان ارزش‌های دینی و ارزش‌های حوزه‌های اجتماعی و پاسخگویی به این سؤال اساسی است که آیا میان دینداری و حوزه‌های عمومی و خصوصی زندگی اجتماعی رابطه برقرار است و اگر رابطه‌ای برقرار است آیا در هر دو حوزه یکسان است یا تفاوت‌هایی وجود دارد؟ نتایج این تحقیق که با استفاده از پرسش‌نامه به اجرا درآمده نشان می‌دهد نکات مهم در زندگی افراد به ترتیب ارزش‌های مربوط به خانواده، کار و سیاست است و در فاصله دو تحقیق ارزش‌های خانواده و کار تقریباً تغییری نداشته و بر اهمیت ارزش‌های سیاسی افزوده شده است. همچنین نتایج تحلیلی برگرفته از رگرسیون چندمتغیره نشان می‌دهد ارتباط میان ارزش‌های دینی با ارزش‌های خانوادگی بیش از ارزش‌های حوزه سیاست و کار است و این یافته تئوری قطعه‌قطعه‌شدن ارزش‌ها را تأیید می‌کند. همچنین مدل تبیین ارزش‌های خانوادگی با ارزش‌های دینی قابل-قبول و این مدل در تبیین ارزش‌های سیاسی و کار پذیرفته‌شدنی نیست.

کلید واژه‌ها: دین، تئوری قطعه‌قطعه‌شدن ارزش‌ها، تئوری تمایز، حوزه عمومی، حوزه

خصوصی، مدرنیزاسیون، دینداری، سکولار.

۱- تاریخ وصول: ۱۳۹۰/۶/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۹/۲۱

۲- استاد جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران

۳- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

۱- مقدمه و بیان مسأله

در جامعه سنتی بسته، غیرمتفاوت و همگن؛ آزادی مردم بسیار محدود بود و عرصه‌های زندگی و ارزش‌های آن کاملاً متصل به هم بودند. دین به طور خاص نقش مهمی در جامعه سنتی داشته و آزادی فردی محدود و شکل‌گیری ارزش‌ها در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی نیز محدود و با ارزش‌های دینی هدایت می‌شد. در جامعه مدرن باز، متفاوت و غیرهمگن دیگر آشکارا مذهب سنتی پذیرفته‌شدنی نیست، مردم در تصمیم‌گیری برای خود آزادند و در تجزیه و تحلیل‌ها برخی جامعه‌شناسان معتقدند دین بخش قابل توجهی از تأثیر سابق خود را در بیشتر بخش‌های زندگی اجتماعی از دست داده‌است.

از طرفی عنصر اساسی در تئوری‌های مدرنیزاسیون تغییرات مداوم در همه حوزه‌های زندگی اجتماعی است و بر اساس تئوری تمایز که هسته اصلی مدرنیزاسیون را تشکیل می‌دهد و در توصیف و تشریح تحولات حوزه دین از آن استفاده می‌شود، تغییرات در یک حوزه حداقل تا حدودی مستقل از تغییر در دیگر حوزه‌های اجتماعی است و این تئوری اشاره به راه‌هایی دارد که توابع اصلی اجتماعی و یا حوزه‌های نهادی اصلی جامعه از یکدیگر متفاوت می‌شوند و در مجموعه‌های تخصصی و سازمان-یافته، در چارچوب نسبتاً خاص و نمادین مستقل ایفای نقش می‌کنند (اشتات^۱، ۱۹۷۰، ۱۵ به نقل از هالمن^۲، ۱۹۹۶). همچنین امروزه کاهش مشارکت در سازمان‌های مذهبی، تغییرات تدریجی اعتقادات مذهبی، کاهش کارکردهای سنتی کلیسا در جهان مدرن عقلانی، تغییر در رفتارهای فردی و نظام‌های باور، تغییر در باورهای سنتی مذهبی و افزایش چیزی که مذهب شخصی نامیده می‌شود، به کرات گزارش شده و به نظر می‌رسد دین نقش غالب و موقعیت تحمیلی خود را در جوامع معاصر از دست داده و تصور می‌شود رابطه قوی بین مذهب و دیگر حوزه‌های اجتماعی در جوامع معاصر کمتر دیده شود.

برخی نیز چون لاکمن^۳ با استناد به تئوری قطعه قطعه شدن ارزش‌ها معتقدند کاهش مذهب بر حوزه‌های گوناگون زندگی اجتماعی یکسان اثر نکرده و در درجه اول بر حوزه عمومی و به میزان کمتر بر حوزه خصوصی اثرگذار بوده است. به نظر وی هنجارهای مذهبی در نهادهای اقتصاد و سیاست که به اصطلاح جهان عمومی یا عینی نامیده می‌شوند محدودتر و در حوزه خصوصی که به اصطلاح نهادهای ثانویه یا جهان‌ذهنی نامیده می‌شوند بیشتر به چشم می‌خورد (دابلیر^۴، ۱۹۸۵، ۳۸۰ و ۱۵ به نقل از هالمن، ۱۹۹۶). بنابر این تئوری، می‌توان نتیجه گرفت که مذهب تأثیر متفاوت در دو حوزه عمومی و خصوصی زندگی اجتماعی دارد. مضاف بر این علیرغم اینکه برخی مدعی‌اند تغییرات در همه کشورها از

1- Eisenstadt

2-Halman

3-Luckmann

4-Dobbelaere

الگوی واحدی تبعیت می‌کند، عمدتاً دیده شده که تغییرات در جوامع در حوزه‌های مختلف زندگی از نظر زمانی، جهت، شدت و ترتیب با هم متفاوت بوده و از الگوی واحدی تبعیت نمی‌کنند. تحقیقات متفاوت و نتایج متفاوت منتج از آن، این سؤال اساسی را ایجاد می‌کند که در جامعه در حال تحول ما آیا ارزش‌های حوزه عمومی و خصوصی از ارزش‌های دینی تبعیت می‌کند یا خیر و اگر تبعیت می‌کند آیا تأثیر دین بر هر دو حوزه یکسان است؟ در این مقاله و جهت پاسخگویی به این سؤال، ابتدا تئوری‌های ارتباط میان دین و حوزه‌های زندگی اجتماعی مطرح خواهد شد، سپس با استفاده از داده‌های طرح‌های ملی اجرا شده در سالهای ۱۳۷۹ و ۱۳۸۳ به نتایج توصیفی، مقایسه‌ای و آزمون تجربی فرضیه‌ها خواهیم پرداخت و بحث را با نتیجه‌گیری به پایان خواهیم رساند.

۲- رویکردهای نظری و مبانی تجربی

در رابطه میان مذهب و عرصه‌های عمومی و خصوصی زندگی اجتماعی سه رویکرد اساسی به چشم می‌خورد که به برخی تحقیقات در این زمینه‌ها اشاره می‌شود. رویکرد اول نشان می‌دهد در برخی جوامع تأثیر دین بر حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی همانند جوامع سنتی بر تمام ابعاد زندگی جاری و برقرار است. در تحقیقات هربرگ^۱ (۱۹۹۵) و لنسکی^۲ (۱۹۶۱) که بر وضعیت ایالات متحده آمریکا متمرکز است نشان داده شده تأثیر مذهب در حوزه‌های دیگر اجتماعی مانند جوامع سنتی برقرار است و ارزش‌های حوزه‌های مختلف زندگی توسط ارزش‌های مذهبی هدایت می‌شوند. هربرگ از تحقیقات خود نتیجه گرفت که در شرایط کاملاً واضح سکولار در بسیاری از کشورها، امریکایی‌ها فکر می‌کنند، احساس و عمل می‌کنند که نوع احساس، فکر و عمل ایشان نشان از احیای گسترده مذهب در ایالات متحده دارد و متأثر از ارزش‌های مذهبی ایشان است (هربرگ، ۱۹۵۵، ۱۵).

نتیجه‌گیری لنسکی نیز نشان می‌دهد مذهب در شیوه‌های مختلف زندگی روزمره زنان و مردان در آمریکا نفوذ فراوان دارد و بیش از آن که مذهب بر افراد تأثیر داشته باشد بر تمام سیستم‌های نهادی جامعه که مشارکت‌های فردی را سبب می‌شود تأثیر دارد (لنسکی، ۱۹۶۱، ۲۸۹).

بنابراین نه تنها فعالیت‌ها و درگیری‌های مذهبی در ایالات متحده کاهش نداشته بلکه در طی قرن گذشته افزایش قابل ملاحظه‌ای نیز یافته‌است (استارک^۳ و ایناکن^۴، ۱۹۹۲، ۲۰۳۰) و حتی این نتیجه را محتمل می‌سازد که کل ایده سکولاریزاسیون افسانه‌ای بیش نیست (گریلی، ۱۹۸۵، به نقل از هالمن، ۱۹۹۶).

1- Herberg

2- Lenski

3-Stark

4-Iannaconne

رویکرد دوم که بر تئوری تمایز استوار است معتقد است، امروزه دین به‌عنوان یکی از حوزه‌های نهادی در زندگی با حوزه‌های دیگر اجتماعی رقابت می‌کند و به‌نظر می‌رسد بخش قابل توجهی از جذابیت خود را در تعداد زیادی از مردم در جهان غرب از دست داده‌است.

دابلیر نشان می‌دهد روند تمایز، تأثیر مذهب را به‌عنوان زیرسیستمی در کنار زیرسیستم‌های دیگر کاهش داده (دابلیر، ۱۹۹۳، ۲۴) و به تعبیر ویلسون این وضعیت منجر به از دست دادن اهمیت اجتماعی نهادهای مذهبی، فعالیت‌های مذهبی و نوع تفکر مذهبی شده (ویلسون^۱، ۱۹۸۲، ۱۴۹؛ ۱۹۹۶، ۱۶) و به عبارت دیگر سیستم‌های اعتقاد به باورهای مذهبی و موعظه‌های کلیسا که قابل‌پذیرش اکثریت مردم بود توسط نظام‌های باور فردی و اعتقادات اجتماعی اخلاقی جایگزین شده‌است و دین و مذهب به یک موضوع خصوصی و آزاد از کارکردهای اجتماعی سابق خود تبدیل شده‌است (ویلسون، ۱۹۹۶، ۳۳) و اگرچه هنوز هم سازمان‌های مذهبی سعی در تأثیر بر بخش‌های مختلف زندگی اجتماعی دارند تعداد مردمی که خود را در معرض این تلاش‌ها قرار می‌دهند کاهش یافته‌است (هالمن و مور^۲، ۱۹۹۴).

از دید مانچ از طریق تمایز هر یک از حوزه‌های اجتماعی زندگی به‌طور فزاینده به یک واحد مستقل و تخصصی با مجموعه‌ای از قوانین خود تبدیل می‌شوند (مانچ^۳، ۱۹۹۰، ۴۴۳) و مردم در عرصه‌های مختلف زندگی درجه‌ای از آزادی انتخاب و عمل را به دست آورده‌اند.

اسملسر نیز معتقد است مردم در جامعه معاصر در جهان‌های مختلف معنا، هر اداره توسط مجموعه‌ای از ارزش‌های خود و نه توسط یک مجموعه واحد منسجم ارزش‌ها هدایت می‌شوند. از نظر او ارزش‌های حاکم بر حوزه‌های مختلف زندگی دیگر نه توسط باورهای مذهبی بلکه با عقلانیت خود مختار هدایت می‌شوند (اسملسر^۴، ۱۹۷۳، ۲۷۵).

کالومی نیز معتقد است در نتیجه تمایز، هر حوزه زندگی اجتماعی به‌طور فزاینده در سراسر عملکرد خود تابع سازمان مربوطه به آن می‌گردد (کالومی^۵، ۱۹۹۰، ۴۸۵ به نقل از هالمن ۱۹۹۶).

رویکرد سوم بر اساس تئوری قطعه قطعه شدن ارزش‌ها نشان می‌دهد که تأثیر مذهب بر تمام حوزه‌ها یکسان نبوده و عرصه‌های خصوصی را بیش از عرصه‌های عمومی تحت تأثیر قرار می‌دهد. مطالعات متعدد نشان می‌دهد که در جامعه امروز مذهب هنوز هم منبع مهم برای نگرش‌ها، هنجارها و ارزش‌ها در قلمرو زندگی خانوادگی است اما از اهمیت کمتری برای ارزش‌ها، نگرش‌ها و هنجارها در حوزه عمومی به‌عنوان مثال؛ سیاست و اقتصاد برخوردار است.

-
- 1-Wilson
 - 2-Moor
 - 3-Munch
 - 4-Smelser
 - 5-Colomy

چنانکه الیسون نشان می‌دهد نگرش و رفتارهای وابسته به زندگی خانوادگی مانند انتخاب شریک زناشویی، کیفیت زندگی زناشویی، حجم خانواده، زمان تشکیل خانواده، نگرش نسبت به نقش‌های جنسیتی، نگرش‌ها و رفتارهای جنسی تحت تأثیر قوی اعتقادات مذهبی است (الیسون^۱ و شرکت^۲، ۱۹۹۳، ۳۱۳).

جاگوزینسکی نشان می‌دهد که ارزش‌های مذهبی اهمیت کمتری در تبیین مشارکت سیاسی و رفتار رأی‌گیری افراد دارد (اگوزینسکی، ۱۹۹۶). همچنین مشابه این نتایج در تحقیقات برگر و لاکمن دیده می‌شود. تأثیر تضعیف مذهب به‌خصوص در عرصه سیاسی اجتماعی در مقابل مسائل مربوط به زندگی خانوادگی خصوصی در تحقیقات این دو نشان داده شده است (برگر^۳، ۱۹۶۹، ۱۲۹-۱۳۴؛ لاکمن، ۱۹۶۷، ۸۵).

بلا نیز نشان داده تأثیر مذهب در بخش خصوصی نسبت به حوزه عمومی اجتماعی قوی‌تر خواهد بود (بلا و همکاران، ۱۹۸۶، ۲۳۱).

فن^۴ نشان داده دین مجبور به عقب‌نشینی بیشتر از دامنه‌های عمومی داشته است در حالی که نفوذ آن در امور مربوط به زندگی خانوادگی و رشد شخصی باقی مانده است (فن، ۱۹۷۲، ۳۱).

ویلسون نشان می‌دهد در مسائل مربوط به روابط بین‌فردی، چهره به چهره، در ابراز احساسات و همدلی افراد خانواده، اظهار عشق و دوستی میان افراد و روابط همسایگی ارزش‌های دینی برقرار است (ویلسون، ۱۹۷۶، ۶).

تامنی و جانسون نیز نفوذ بیشتر دین به قلمرو خصوصی نسبت به قلمرو عمومی را نشان می‌دهند (تامنی^۵ و جانسون^۶، ۱۹۸۵، ۳۶) همچنین دیویدسون^۷ و کادل^۸ (۱۹۹۴) و لیندست^۹، لیستاگ^{۱۰} (۱۹۹۴) نشان می‌دهند که مذهب تا حد زیادی با تجربه کار بی‌ربط است. در بررسی عامل این وضعیت هالمن معتقد است که علت تفاوت‌ها در نظریه‌های تضعیف تأثیر دین در حوزه‌های دیگر اجتماعی ناشی از تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی میان کشورهاست (هالمن، ۱۹۹۶).

در ایران نیز مطالعاتی در زمینه ارتباط دینداری با ارزش‌های حوزه عمومی و خصوصی انجام شده

-
- 1- Ellison
 - 2- Sherkat
 - 3- Berger
 - 4- Fenn
 - 5- Tamney
 - 6- Johnson
 - 7- Davidson
 - 8- Caddell
 - 9- Lindseth
 - 10- Listhaug

است که به برخی اشاره خواهیم کرد.

مرتضی زین‌آبادی در تحلیل ثانویه دو پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان نشان داده ارتباط مثبت قوی میان نگرش مذهبی با رفتارهای خانوادگی نظیر مشورت‌کردن، درد و دل کردن، پرهیز از خشونت و اختلاف، پرهیز از تنبیه کودکان، پرهیز از دخالت در زندگی فرزندان و تمایل به زندگی مستقل فرزندان وجود دارد (زین‌آبادی، ۱۳۸۵).

پارسامهر در پژوهش خود با عنوان بررسی رابطه بین میزان دینداری والدین با خشونت میان فردی فرزندان پسر دبیرستانی با استفاده از ابزار پرسش‌نامه روی ۳۸۵ نفر از دانش‌آموزان پسر دبیرستان‌های شهر یزد که با روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده‌اند، نشان داده است، بین دینداری والدین و خشونت فرزندان رابطه منفی و معناداری وجود داشته و هرچه دینداری والدین بالاتر رفته، خشونت فرزندان کاهش یافته‌است. میزان این همبستگی در مورد رابطه دینداری پدر با خشونت فرزند معنادارتر بوده‌است. بنابراین، تقویت باورهای دینی در والدین می‌تواند نقش مؤثری در کاهش رفتارهای انحرافی چون خشونت ایفا کند (پارسامهر، ۱۳۹۰).

عباس روحانی در مقاله خود با عنوان رابطه عمل به باورهای دینی با شادکامی و رضایت زناشویی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه به بررسی این رابطه پرداخته‌است. جامعه آماری تحقیق او شامل تمام کادر آموزشی، کارکنان و دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه در سال تحصیلی ۸۷-۸۶ بود و نمونه پژوهش وی ۲۶۹ آزمودنی (۶۲ نفر عضو هیأت علمی، ۲۸ نفر از کارکنان و ۱۷۹ دانشجوی متأهل) بوده که به شیوه طبقه‌ای تصادفی انتخاب شده‌اند. ابزارهای پژوهش پرسش‌نامه شادکامی ($\alpha = 0/90$)، پرسشنامه رضایت زناشویی ($\alpha = 0/92$) و آزمون «معبدا» ($\alpha = 0/97$) بود. تحلیل نتایج او نشان داده که بین دینداری با شادکامی و رضایت زناشویی همبستگی مثبت معناداری وجود دارد ($P < 0/01$) (روحانی، ۱۳۸۸).

منصور سودانی نیز در تحقیق خود با عنوان بررسی رابطه دینداری با رضایت زناشویی دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز ۱۵۰ نفر از دانشجویان متأهل دانشگاه را به شیوه تصادفی ساده انتخاب کرده‌است. ابزار اندازه‌گیری شامل مقیاس دینداری آرین و پرسش‌نامه رضایت زناشویی انریچ (ENRICH) بوده است. نتایج نشان داده که بین دینداری با رضایت زناشویی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد (سودانی، ۱۳۸۸).

مجید موحد در تحقیق خود با عنوان بررسی جامعه‌شناختی رابطه میان دینداری و تمایل به دموکراسی، یکی از مباحث بنیادی و جذاب در عصر حاضر که ذهن اندیشمندان و سیاست‌مداران را به خود مشغول نموده است، ایجاد ترکیبی هماهنگ و هم‌ساز از ارزش‌های مدرن (دموکراسی) و ارزش‌های اسلامی می‌داند. به نظر وی نظرات گوناگون و گاه متضادی در باب رابطه دین و دموکراسی از سوی

نظریه‌پردازان مطرح شده‌است و در کنار آن نیز تمایل برای ایجاد دموکراسی در میان مسلمانان به شکل روزافزونی به صورت عملی در حال ظهور بوده‌است. هدف اصلی او از این پژوهش سنجش میزان تمایل به دموکراسی و میزان دینداری پاسخگویان از یک سو، و بررسی نسبت دینداری پاسخگویان با میزان تمایلات آنان به دموکراسی از سوی دیگر است. یافته‌های این پژوهش نشانگر تمایلات زیاد مذهبی پاسخ‌گویان (زن و مرد) و در کنار آن تمایل شدید آنان به دموکراسی و مشارکت سیاسی عمومی است و در عین حال رابطه آماری معنی‌داری میان دو متغیر تمایل به دموکراسی و دینداری مشاهده شده- است.

همچنین تفاوت معنی‌داری میان مشاغل گوناگون نسبت به دموکراسی و عدم وجود تفاوت معنی‌دار میان زنان و مردان، وجود بیشترین میزان همبستگی میان ارزش‌های دینی با تمایل به دموکراسی از دیگر یافته‌های مهم این پژوهش محسوب می‌گردد (موحد، ۱۳۸۵).

بنابر رویکردهای نظری ذکر شده با توجه به اینکه به نظر می‌رسد تمایز میان عرصه‌های عمومی و خصوصی ضروری باشد در جامعه ما این فرضیه که ارزش‌های مذهبی بر ارزش‌های عرصه خصوصی تأثیر بیشتری دارد تا ارزش‌های عرصه عمومی مفروض است.

۳- روش تحقیق

داده‌های به‌کار رفته در این تحقیق پیمایشی، داده‌های حاصل از طرح ملی ارزش‌های جهانی در سال‌های ۱۳۷۹ و طرح ملی ارزش‌های ایرانیان در سال ۱۳۸۳ و مبتنی بر داده‌های حاصل از پروژه بررسی ارزش‌های جهانی است که با اطلاعات ارزشمند خود امکان مطالعات ملی و فراملی را فراهم آورده و تجزیه تحلیل‌های با ابعاد مشابه یا متفاوت را می‌توان دید.

جامعه آماری پژوهش ۱۳۷۹ کلیه افراد بالای ۱۵ سال و جامعه آماری پژوهش ۱۳۸۳ کلیه افراد بالای ۱۶ سال در ایران می‌باشند که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و ابزار پرسش‌نامه در پیمایش ۱۳۷۹ با حجم نمونه ۲۵۳۰ نفر و در پیمایش ۱۳۸۳ در نهایت ۲۲۷۵ پرسش‌نامه در تجزیه تحلیل آماری مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

۴- تعاریف عملیاتی متغیرها

۴-۱- متغیر دینداری

این متغیر به شیوه هالمن (۱۹۹۴، ۱۹۹۶) شامل سه مؤلفه مذهب شخصی، اعتقادات دینی و کفایت مسؤولین مذهبی در نظر گرفته شده‌است. مذهب شخصی با چهار گویه میزان مذهبی بودن از دید خود شخص (در سه سطح صفر به هیچ مذهبی اعتقاد ندارم تا ۲ مذهبی هستم)، میزان اهمیت خدا در زندگی

فرد (گویه ۱۰ قسمتی کاملاً بی‌اهمیت تا خیلی مهم با ارزش صفر تا ۹)، آرامش‌داشتن با دین (گویه دو قسمتی آری با ارزش یک و نه با ارزش صفر) و فراوانی دفعات نماز (گویه چهار قسمتی ابداً با ارزش صفر تا هر روز با ارزش ۳) سنجیده شده‌است. اعتقادات دینی شامل پنج گویه اعتقاد به خدا، جهنم، بهشت، صاحب روح بودن انسان و زندگی پس از مرگ (آری با ارزش یک و نه با ارزش صفر) است که با ترکیب این پنج گویه متغیر اعتقاد دینی در سطح فاصله‌ای با پایایی ۰/۸۵ ساخته شد.

سومین جهت‌گیری مذهبی کفایت کلیسا یا مسئولین مذهبی است و از ترکیب چهار گویه (آری با ارزش یک و نه با ارزش صفر) که توان مسئولین مذهبی در پاسخگویی به مسائل اخلاقی و نیازهای فردی، مسائل مربوط به زندگی خانوادگی، نیازهای معنوی و مسائل اجتماعی که کشور با آنها رو در روست را نشان می‌دهد در سطح فاصله‌ای با پایایی ۰/۷۹ ساخته شد (هالمن^۱ و مور^۲، ۱۹۹۴؛ هالمن و ولوت^۳، ۱۹۹۴).

۵- حوزه‌های عمومی و خصوصی

در حوزه خصوصی از ارزش‌های خانوادگی و در حوزه عمومی از ارزش‌های کار و سیاست پروژه‌های ارزش‌های جهانی اینگلهارت (۱۳۷۲) استفاده شده‌است. در حوزه خصوصی از ترکیب ۹ گویه الگوی خانوادگی سنتی در دو بعد ارزش‌های خانوادگی و اولویت‌های مهم در تربیت کودکان استفاده شده‌است. این گویه‌ها عبارتند از: اگر کسی بگوید کودک برای رشد سعادت‌مندانانه خویش نیازمند خانه‌ای است که در آن پدر و مادر در کنار هم باشند با ارزش موافقت ۲ و مخالفت صفر، مذمت اینکه در بعضی کشورها زنان صاحب فرزند می‌شوند بدون اینکه مایل به داشتن روابط ثابت با هیچ مردی باشند موافق صفر و مخالف ۲ و بستگی دارد یک، ازدواج نهاد منسوخ شده‌است موافق صفر و مخالف ۲، آیا فرزندان باید همواره به والدین خود عشق بورزند و احترام کنند با قبول دارم ۲ و موظف نیستند صفر و در تربیت کودکان نکات مهم در تربیت غیرتخیلی بودن، عدم پس‌انداز پول و اموال و حسابگری در معاش، احساس مسئولیت، مدارا و احترام نسبت به سایر مردم، ایمان دینی که به شکل سنتی در تربیت کودکان مدنظر بوده با اولویت‌دهی با ارزش ۲ و عدم اولویت‌دهی با ارزش ۱ و با پایایی ۰/۵۰ استفاده شده‌است.

در قلمرو سیاست از مجموعه مشارکت سیاسی از ترکیب سه سؤال شرکت در انتخابات شورای شهر، امضای طومار و شرکت در تحریم و اعتصاب با هرگز انجام نمی‌دهم با ارزش صفر و انجام داده‌ام

1- Halman
2- Moor
3- Vloot

با ارزش ۲ با میزان علاقه به مسائل سیاسی با ارزش اصلاً علاقه ندارم با ارزش صفر تا بسیار علاقه دارم با ارزش ۲ استفاده شده و پایایی این متغیر ۰/۵۱ است.

در قلمرو کار از اولویت‌های شغل مناسب زاندرس (زاندرس^۱، ۱۹۹۴ به نقل از هالمن، ۱۹۹۴) استفاده شده است. اولویت‌های کار از ترکیب ۱۱ گویه شغلی که همراه با مسئولیت باشد، شغلی که احساس می‌کنم قادر به تحقق دستاورد یا هدف مهمی هستم، شغلی که هم‌تراز توانایی‌های آدمی باشد، شغلی که دارای جذابیت باشد، شغلی که امکان بروز ابتکار عمل داشته باشد و شغلی که امنیت مناسب داشته باشد، زیادنبودن فشار کار، تعطیلات قابل توجه، ساعات کار مناسب، شغلی که عموم مردم به آن احترام می‌گذارند و کار با حقوق خوب با پایایی ۰/۸۱ سنجیده شده است.

۶- یافته‌های تحقیق

۶-۱- یافته‌های توصیفی

در این بخش ابتدا به توصیف جامعه آماری و سپس جداول دو بعدی و تحلیل یافته‌ها خواهیم پرداخت.

۶-۱-۱- مشخصات نمونه آماری در پژوهش ۱۳۷۹

از میان ۲۵۳۰ نفر نمونه آماری، ۱۳۶۱ نفر مرد (۵۳/۸ درصد) و ۱۱۶۹ نفر زن (۴۶/۲ درصد) می‌باشند. ۱۵۲۷ نفر متأهل (۶۰/۴ درصد) و ۱۰۰۳ نفر مجرد (۳۹/۶ درصد) می‌باشند. ۹۴۹ نفر (۳۷/۵ درصد) در گروه سنی ۱۵ - ۲۴ سال، ۵۸۶ نفر (۲۳/۲ درصد) گروه سنی ۲۵ - ۳۴ سال، ۳۸۱ نفر (۱۵/۱ درصد) گروه سنی ۳۵ - ۴۴ سال، ۴۲۴ نفر (۱۶/۸ درصد) گروه سنی ۴۵ - ۵۴ سال و ۵۱۹۰ نفر (۷/۵ درصد) گروه سنی بیش از ۵۵ سال بودند. از ۲۵۳۰ نفر ۱۶۶ نفر (۶/۹ درصد) بی‌سواد، ۴۵۳ نفر (۱۸/۷ درصد) دارای تحصیلات ابتدایی، ۴۳۸ نفر (۱۸/۱ درصد) تحصیلات متوسطه، ۷۰۴ نفر (۲۹/۱ درصد) دیپلم، ۶۶۱ نفر (۲۷/۳ درصد) تحصیلات عالی دارند. همچنین ۱۵۱ نفر (۶/۷ درصد) درآمد بسیار پایین دارند، ۷۰۰ نفر (۳۱/۲ درصد) درآمد پایین، ۱۰۰۴ نفر (۴۴/۷ درصد) درآمد متوسط، ۳۳۰ نفر (۱۴/۷ درصد) درآمد بالا، ۶۱ نفر (۲/۷ درصد) درآمد بسیار بالا دارند.

۶-۱-۲- مشخصات نمونه آماری در پژوهش ۱۳۸۳

از میان ۲۲۷۵ نفر نمونه آماری، ۱۲۴۱ نفر مرد (۵۴/۷ درصد) و ۱۰۲۶ نفر زن (۴۵/۳ درصد) می‌باشند.

۱۳۴۷ نفر متأهل (۵۹/۴ درصد) و ۹۱۹ نفر مجرد (۴۰/۶ درصد) می‌باشند. در این نمونه ۱۴۶۵ نفر شهری (۶۴/۸ درصد) و ۷۹۷ نفر (۳۵/۲ درصد) روستایی هستند. از ۲۲۷۵ نفر ۹۷ نفر (۴/۷ درصد) بی-سواد، ۳۸۰ نفر (۱۸/۶ درصد) دارای تحصیلات ابتدایی، ۴۴۸ نفر (۲۱/۹ درصد) تحصیلات متوسطه، ۶۵۶ نفر (۳۲ درصد) دیپلم، ۱۴۹ نفر (۷/۳ درصد) فوق‌دیپلم و ۳۱۸ نفر (۱۵/۵ درصد) تحصیلات عالی دارند. همچنین ۲۷۵ نفر (۱۲/۳ درصد) درآمد بسیار پایین دارند، ۶۹۹ نفر (۳۱/۲ درصد) درآمد پایین، ۸۸۱ نفر (۳۹/۳ درصد) درآمد متوسط، ۳۲۳ نفر (۱۴/۴ درصد) درآمد بالا، ۶۲ نفر (۲/۸ درصد) درآمد بسیار بالا دارند. چنانکه در جدول شماره ۱ می‌بینیم در ارزش‌های ذکر شده خانواده، کار و سیاست به ترتیب مطرحند و در فاصله در پیمایش اهمیت خانواده و کار تقریباً به قوت خود باقی است و بر اهمیت سیاست افزوده شده‌است.

جدول شماره ۱: ارزش‌های مهم در زندگی

۱۳۸۳			۱۳۷۹			سال اهمیت
کار	سیاست	خانواده	کار	سیاست	خانواده	
۹۴	۴۴/۲	۹۸/۹	۹۳/۲	۴۱	۹۸/۷	مهم
۵	۴۹/۸	۰/۹	۴/۷	۵۴/۲	۰/۹	بی‌اهمیت
۱	۶	۰/۲	۲/۱	۷/۸	۰/۴	نمی‌دانم

بررسی ارزش‌های خصوصی و عمومی در بین ایران نشان می‌دهد غالب افراد پایبند به ارزش‌های سنتی خانوادگی می‌باشند. عمدتاً معتقدند کودک برای رشد سعادت‌مندانه به خانهای نیاز دارد که پدر و مادر هر دو در کنار هم باشند، زن‌ها باید برای صاحب فرزند شدن با فردی ثابت ارتباط داشته باشند، ازدواج نهاد منسوخ شده‌ای نیست، آدمی باید به والدین خود احترام بگذارد و اولویت‌های مهم در تربیت کودکان را ایجاد احساس مسئولیت، ایمان دینی، غیرتخیلی بودن، حسابگری در معاش و مدارا و احترام نسبت به سایر مردم می‌دانند. علاقه‌مندی به موضوعات سیاسی، امضا طومار و شرکت در تحریم و اعتصابات کمتر در ایشان وجود دارد ولی اکثر ایشان در انتخابات شرکت می‌کنند. همچنین در ارزش‌های کار غالب افراد معتقدند شغلی که همراه با مسئولیت باشد، شغلی که احساس می‌کنم قادر به تحقق دستاورد یا هدف مهمی هستم، هم‌تراز توانایی‌های آدمی باشد، دارای جذابیت باشد، امکان بروز ابتکار عمل داشته باشد و شغلی که امنیت مناسب داشته باشد، زیاد نبودن فشار کار، تعطیلات قابل توجه، ساعات کار مناسب، شغلی که عموم مردم به آن احترام می‌گذارند و کار با حقوق خوب در اولویت قرار دارد. همچنین بررسی ارزش‌های دینی نشانگر آن است که اعتقادات دینی، اهمیت خدا در زندگی و اعتقاد به آسودگی و آرامش با دین بیش از مؤلفه‌های دیگر مدنظر است. چنانکه در جدول شماره ۲ می‌بینیم در حوزه خانواده بیشتر افرادی که گرایش مذهبی بالاتر دارند معتقدند کودک برای رشد

سعادتمندانه نیاز به خانه‌ای دارد که پدر و مادر هر دو در کنار هم باشند، زنها صاحب کودک می‌شوند بدون داشتن ارتباط ثابت با مردی مذموم است، ازدواج نهاد منسوخ شده‌ای نیست، آدمی باید همواره به والدین خویش احترام بگذارد و باید کودک با ایمان دینی رشد و پرورش یابد. همچنین ارتباط ارزش-های خانوادگی با تمام متغیرهای دینداری مشاهده می‌شود.

جدول شماره ۲: ارزش‌های خصوصی بر حسب دینداری

کفایت مسؤولین مذهبی		اعتقادات مذهبی		مذهب شخصی								حوزه خصوصی خانواده		
				فراتوانی نماز		آرامش با دین		اهمیت خدا		مذهبی‌دانستن خود				
				آری	خیر	آری	خیر	آری	خیر	خیلی	نمی‌دانم			می‌دانم
۹۴/۵	۹۵/۸	۶۲/۵	۹۵/۹	۹۰/۳	۹۵/۵	۸۶/۷	۹۶/۱	۹۲/۹	۹۶/۱	۸۷/۵	۹۶/۳	موافق	کودک برای رشد سعادتمندانه نیاز به خانه ای دارد که پدر و مادر هر دو در کنار هم باشند	
۵/۵	۲/۲	۳۷/۵	۴/۱	۹/۷	۴	۱۳/۳	۳/۹	۷/۱	۳/۹	۱۲/۵	۳/۷	مخالف		
۲/۶	۱/۹	۱۲/۵	۱/۷	۵	۲	۴	۱/۸	۳/۶	۱/۸	۸/۳	۱/۸	موافق		زن‌ها صاحب کودک می-شوند بدون داشتن ارتباط ثابت با مردی
۸۶/۴	۹۴/۲	۶۲/۵	۹۱/۳	۷۲/۷	۹۳	۷۵/۲	۹۱/۵	۷۵	۹۲/۴	۵۴/۲	۹۳/۳	مخالف		
۱۱/۶	۹۹/۶	۲۸/۶	۱۰/۵	۱۸/۱	۱۰/۲	۱۸/۴	۱۰/۲	۲۲/۲	۱۰/۵	۴۳/۲	۹/۶	موافق	ازدواج نهاد منسوخ شده است	
۸۸/۴	۹۰/۴	۷۱/۴	۸۹/۵	۸۱/۹	۸۹/۸	۸۱/۶	۸۹/۸	۷۷/۸	۸۹/۵	۵۶/۸	۹۰/۴	مخالف		
۸۲/۷	۹۵/۳	۸۷/۵	۹۰/۳	۷۱/۷	۹۲/۴	۶۲/۲	۹۱/۴	۸۸/۹	۹۰/۸	۷۵/۸	۹۲/۱	موافق	آدمی باید همواره به والدین خویش احترام بگذارد	
۱۷/۳	۴/۷	۱۲/۵	۹/۷	۲۸/۳	۷/۶	۳۷/۸	۸/۶	۱۱/۱	۹/۲	۲۴/۲	۷/۹	مخالف		
۹۷	۹۷/۴	۱۰۰	۹۵/۷	۹۴/۹	۹۶	۹۴/۳	۹۵/۹	۱۰۰	۹۶/۲	۹۷/۴	۹۵/۲	موافق	احساس مسئولیت	
۳	۲/۶	۰	۴/۳	۵/۱	۴	۵/۷	۴/۱	۰	۳/۸	۲/۶	۴/۶	مخالف		
۸۹/۷	۹۴/۵	۲۵	۹۲/۴	۶۶/۳	۹۵/۴	۶۷/۴	۹۴/۸	۸۸/۲	۹۴/۶	۸۶/۴	۹۵/۳	موافق	ایمان دینی	
۱۰/۳	۵/۵	۷۵	۵/۸	۳۳/۷	۴/۶	۳۲/۶	۵/۲	۱۱/۸	۵/۴	۱۳/۶	۴/۷	مخالف		
۶۰/۸	۹۶/۸	۶۶/۷	۹۳/۷	۶۱/۳	۹۶/۷	۴۵/۵	۶۷/۵	۴۴/۴	۶۷/۸	۵۶/۶	۶۷	موافق	غیرتخیلی بودن	
۳۹/۲	۳۱/۳	۳۲/۳	۶۶/۳	۳۸/۷	۳۲/۳	۵۴/۵	۳۲/۵	۵۵/۶	۳۲/۲	۴۳/۴	۳۳	مخالف		
۱۵/۶	۹۲/۴	۲۵	۹۱/۹	۲۸/۸	۱۷	۶/۳	۱۸/۹	۷/۷	۹۱/۵	۱۵/۵	۹۱/۱	موافق	عدم حسابگری در معاش و پس انداز پول و اموال	
۸۴/۴	۷۸/۶	۷۵	۸۱/۸	۷۱/۲	۸۳	۹۳/۷	۸۱/۱	۹۲/۳	۸۰/۵	۸۴/۵	۸۰/۹	مخالف		
۹۰/۵	۹۴/۶	۳۳/۳	۹۷/۸	۷۸/۸	۹۴/۱	۸۶/۲	۹۳/۷	۹۴/۴	۹۲/۲	۸۷/۸	۹۲/۴	موافق	مدارا و احترام نسبت به سایر مردم	
۹/۵	۵/۴	۶۶/۷	۹۲/۲	۲۱/۲	۵/۹	۱۳/۸	۷/۳	۵/۶	۷/۸	۱۲/۲	۷/۶	مخالف		
۷۹/۴	۹۷/۲	۳۳/۳	۸۷/۹	۶۴/۲	۹۱/۵	۳۵/۷	۸۹/۵	۱۰۰	۹۱/۱	۸۰/۷	۸۷/۳	موافق	ارزش‌های خانوادگی	
۱۵/۶	۲/۷	۳۳/۳	۱۱/۸	۲۳/۹	۷/۷	۲۱/۴	۱۰/۱	۰	۸/۶	۱۵/۴	۱۲/۷	تا حدی		
۵	۰	۳۳/۳	۰/۳	۱۲	۰/۸	۲۳/۷	۰/۳	۰	۰/۳	۳/۸	۰	مخالف		

۱. گویه‌هایی که در سطح معنی‌دار ۰/۰۵ قابل قبول نیست با * مشخص شده‌اند
۲. کسانی که ارزش‌های سنتی خانواده در ایشان ۱۰ - ۷ بوده است
۳. کسانی که ارزش‌های سنتی خانواده در ایشان ۱۱-۱۴ بوده است
۴. کسانی که ارزش‌های سنتی خانواده در ایشان ۱۸ - ۱۵ بوده است

در جدول شماره ۳ ارتباط میان ارزش‌های حوزه سیاسی و دینداری مشاهده می‌شود که در غالب متغیرهای دینی در سطح ۰/۰۵ قابل قبول نیست.

جدول شماره ۳: ارزش‌های سیاسی بر حسب دینداری

کفایت مسئولین مذهبی		اعتقادات مذهبی		مذهب شخصی								حوزه‌های عمومی و خصوصی		سیاست	علاقه به موضوعات سیاسی
				فراوانی نماز		آرامش با دین		اهمیت خدا		مذهبی‌دانستن خود					
				آری	خیر	آری	خیر	آری	خیر	خیلی	نمی‌دانم				
۱۶/۶	۵۱۳/۸	۵۰	۵۱۳/۶	۱۹/۸	۱۲/۲	۲۲/۴	۱۳	۱۱/۱	۱۳۳/۶	۱۷/۹	۱۳	بسیار	تا حدی		
۲۹/۷	۳۱/۶	۱۲/۵	۳۲	۲۹/۱	۳۲/۵	۳۳/۶	۳۲/۹	۲۲/۲	۳۲/۳	۲۹/۲	۳۳/۳	کم			
۵۲/۶	۲۹/۸	۳۷/۵	۵۳/۱	۴۹/۴	۵۲/۶	۴۳	۵۱/۹	۶۳	۵۱/۴	۴۹/۷	۵۲/۳	اصلا			
۰/۳	۰/۸	۰	۰/۳	۰	۰/۴	۰	۰/۳	۰	۰/۳	۰/۶	۰/۱	انجام داده ام	ممکن است		
۶۲/۳	۸۳/۱	۴۲/۹	۷۳/۹	۴۴/۵	۷۶/۱	۴۵/۸	۷۳/۷	۸۵/۲	۵۷/۲	۶۰/۵	۷۴/۸	هرگز			
۱۲/۳	۷/۵	۰	۱۱/۱	۱۱	۱۰/۴	۱۴	۱۱/۲	۳/۷	۱۱/۲	۱۴/۱	۱۱/۱	انجام داده ام			
۲۵/۴	۹/۴	۵۷/۱	۱۴/۹	۴۴/۵	۱۳/۵	۴۰/۲	۱۵/۱	۱۱/۱	۱۷/۴	۲۵/۴	۱۴/۱	ممکن است	هرگز		
۱۸/۶	۳۳/۱	۱۴/۳	۵۱۹/۳	۲۰/۸	۲۰/۱	۲۲/۴	۱۹/۳	۱۰/۷	۵۱۹/۵	۱۹	۲۰/۳	انجام داده ام			
۳۲/۶	۲۲/۳	۲۸/۶	۳۰	۳۲/۹	۲۸/۸	۴۰/۲	۲۹/۸	۲۸/۶	۲۹/۴	۳۷/۱	۲۸/۴	ممکن است			
۴۸/۸	۵۴/۵	۵۷/۱	۵۰/۷	۴۶/۲	۵۱/۱	۳۷/۴	۵۰/۸	۶۰/۷	۵۱	۴۳/۹	۵۱/۳	هرگز	ممکن است		
۱۲/۹	۸/۷	۳۷/۵	۹/۳	۱۷/۳	۸/۹	۲۵/۲	۸/۹	۷/۱	۹/۱	۱۳/۹	۹	انجام داده ام			
۲۹/۵	۱۷/۹	۲۵	۲۶/۳	۳۰/۱	۲۵/۵	۴۰/۲	۲۶/۶	۲۵	۲۵/۳	۳۵	۲۵/۶	ممکن است			
۵۷/۶	۷۳/۴	۳۷/۵	۶۴/۵	۵۲/۶	۶۵/۵	۳۴/۶	۶۴/۵	۶۷/۹	۶۵/۶	۵۱/۱	۶۵/۳	هرگز	بالا		
۱۶/۶	۵۱۶/۳	۲۸/۶	۱۵/۷	۱۸/۲	۱۵/۹	۲۱/۱	۱۵/۶	۱۹/۲	۵۱۵/۴	۲۰/۴	۱۶	متوسط			
۶۱/۴	۷۰/۵	۲۸/۶	۶۷/۳	۴۹/۴	۶۸/۳	۵۳/۳	۶۷/۲	۶۵/۴	۶۶/۲	۴۴/۸	۶۷/۷	پایین			
۲۲/۱	۱۳/۲	۴۲/۹	۱۷	۳۲/۴	۱۵/۸	۲۵/۷	۱۷/۲	۱۵/۴	۱۸/۷	۳۴/۶	۴۸/۵				

در جدول شماره ۴ ارتباط میان ارزش‌های حوزه کار و دینداری مشاهده می‌شود که در بسیاری از متغیرها در سطح ۰/۰۵ قابل قبول نیست.

۱. گویه‌هایی که در سطح معنی‌دار ۰/۰۵ قابل قبول نیست با * مشخص شده‌اند
۲. گویه‌هایی که ارزش ۸-۶ داشته‌اند
۳. گویه‌هایی که ارزش ۵-۳ داشته‌اند
۴. گویه‌هایی که ارزش ۲۵-۰ داشته‌اند

جدول شماره ۴: ارزش‌های کار بر حسب دینداری

کفایت مسئولین مذهبی	اعتقادات مذهبی		مذهب شخصی								حوزه‌های عمومی و خصوصی		
			فراوانی نماز		آرامش با دین		اهمیت خدا		مذبی دانستن خود				
			آری	خیر	آری	خیر	آری	خیر	آری	خیر			مهم
۱۸/۶	۳۲/۹	۵۰	۵۹/۵	۲۷/۴	۵۲/۹	۱۹/۷	۵۲/۸	۲۵	۵۲/۸	۱۷/۶	۵۲/۸	ذکر نشده	فرصت بروز ابتکار عمل
۸۱/۴	۶۷/۱	۵۰	۷۰/۵	۷۲/۶	۷۱	۸۰/۳	۷۱/۴	۷۵	۷۱/۴	۸۲/۴	۷۱/۱	مهم	شغلی که در آن حس کند قادر به تحقق دستاورد یا هدف مهمی هستم
۲۰/۹	۵۲/۲	۱۰۰	۵۵/۲	۲۴/۱	۵۲/۱	۲۳/۷	۵۲/۶	۱۰	۲۳/۸	۲۳/۳	۵۲/۱	ذکر نشده	شغلی همراه با احساس مسئولیت
۷۹/۱	۷۵/۸	۰	۷۴/۶	۷۵/۹	۷۳/۹	۷۶/۳	۷۶/۴	۹۰	۷۶/۲	۷۶/۷	۷۵/۹	مهم	شغلی که دارای جذابیت باشد
۲۶/۳	۵۴/۵	۵۰	۵۷/۸	۳۷/۸	۵۳/۱	۲۰/۴	۵۳/۶	۳۰	۲۵/۴	۲۶/۷	۵۳/۷	ذکر نشده	شغلی که هم‌راز توانایی آدمی است
۳۳/۷	۷۵/۵	۵۰	۷۲/۲	۶۲/۲	۷۲/۹	۷۹/۶	۷۲/۴	۷۰	۷۴/۶	۷۳/۳	۷۲/۳	مهم	شغلی که دارای اهمیت باشد
۲۰/۱	۲۸/۱	۲۵	۵۲/۶	۲۱/۵	۵۲/۱	۱۷/۲	۵۲/۳	۰	۲۲/۸	۱۸/۹	۵۲/۸	ذکر نشده	حقوق خوب
۷۹/۹	۷۱/۹	۷۵	۷۵/۴	۷۸/۵	۷۴/۹	۸۲/۸	۶۷/۶	۱۰۰	۷۷/۲	۸۱/۱	۷۵/۲	مهم	زیاد نبودن فشار کار
۱۸/۲	۵۱/۵	۵۰	۵۱/۸	۲۳/۳	۱۶/۷	۱۶/۹	۵۱/۶	۸/۳	۱۶	۱۵/۳	۵۱/۶	ذکر نشده	شغلی که عموم مردم به آن احترام بگذارند
۸۱/۸	۸۱/۵	۵۰	۸۲	۷۶/۷	۸۳/۳	۸۳/۱	۸۲/۴	۹۱/۷	۸۴	۸۴/۷	۸۲/۴	مهم	ساعات کار مناسب
۶/۷	۵۸/۳	۴۰	۵۹	۱۳	۸/۵	۸/۱	۵۸/۸	۶/۳	۸/۳	۱۰/۳	۵۸/۲	ذکر نشده	تعطیلات قابل توجه
۹۳/۳	۹۱/۷	۶۰	۹۱	۸۷	۹۱/۵	۹۱/۹	۹۱/۲	۹۳/۸	۹۱/۷	۸۹/۷	۹۱/۸	مهم	ارزش‌های کار
۵/۴	۵۱۰	۲۰	۵۷/۳	۵	۵۷/۹	۱	۵۷/۵	۰	۵۷/۶	۳/۸	۷/۷	ذکر نشده	
۹۴/۶	۹۰	۸۰	۹۲/۷	۹۵	۹۲/۱	۹۹	۹۲/۵	۱۰۰	۹۲/۴	۹۶/۲	۹۲/۳	مهم	
۱۹/۱	۵۲/۲	۲۵	۵۵/۵	۲۴/۱	۲۶/۸	۱۷/۲	۵۲/۱	۶/۷	۵۲/۲	۲۷/۲	۵۲/۱	ذکر نشده	
۸۰/۹	۷۳/۶	۷۵	۷۴/۵	۷۵/۹	۷۳/۲	۸۲/۸	۷۳/۹	۹۳/۳	۷۳/۸	۷۲/۸	۷۳/۹	مهم	
۱۳/۱	۵۱۲	۳۳/۳	۱۷/۴	۱۶/۵	۵۱۷/۷	۱۳/۲	۵۱۷/۱	۱۸/۸	۱۶/۶	۱۶/۷	۵۱۶/۳	ذکر نشده	
۸۶/۹	۸۸	۶۶/۷	۸۲/۶	۸۳/۵	۸۲/۳	۸۶/۸	۸۲/۹	۸۱/۳	۸۲/۴	۸۳/۳	۸۲/۷	مهم	
۱۷/۱	۵۱۹/۱	۶۶/۷	۵۱۹/۱	۳۳/۷	۵۱۹	۱۶/۳	۵۱۸/۷	۰	۵۱۹/۳	۳۳/۳	۵۱۹	ذکر نشده	
۸۲/۹	۸۰/۹	۳۳/۳	۸۰/۹	۷۶/۳	۸۱	۸۵/۷	۸۱/۳	۱۰۰	۸۰/۷	۶۷/۷	۸۱	مهم	
۲۹/۶	۴۱/۵	۱۶/۷	۵۹/۵	۳۶/۴	۵۳/۱	۱۸/۹	۳۹/۷	۴۴/۴	۴۱/۳	۳۱/۷	۴۰/۵	ذکر نشده	
۷۰/۴	۵۸/۵	۸۲/۳	۶۰/۵	۶۳/۶	۶۰/۹	۸۱/۱	۶۰/۳	۵۵/۶	۵۸/۷	۶۸/۳	۵۹/۵	مهم	
۶/۹	۱۵/۷	۰	۵۱۰	۲/۵	۵۱۱	۷۴	۱۲	۰	۹/۷	۵/۳	۵۱۰/۸	پایین ^۱	
۳۳/۱	۲۴/۱	۱۰۰	۳۴/۸	۵۰/۵	۳۳/۱	۴۸/۱	۳۳/۱	۱۶/۷	۳۳/۳	۳۹/۱	۳۳/۴	متوسط ^۲	
۶۰/۸	۵۰/۲	۰	۵۵/۱	۴۶/۹	۵۵/۸	۴۴/۴	۵۶/۹	۸۲/۴	۵۷/۱	۵۵/۶	۵۳	بالا ^۳	

۱. گویه‌هایی که ارزش ۱۴-۱۱ داشته‌اند
۲. گویه‌هایی که ارزش ۱۸-۱۵ داشته‌اند
۳. گویه‌هایی که ارزش ۲۲-۱۹ داشته‌اند

۲-۶- یافته‌های تحلیلی

در این بخش از رگرسیون چندمتغیره برای تبیین ارزش‌های خانوادگی، سیاسی و کار استفاده شده است و نتایج هر تحلیل جداگانه آورده شده است. همان‌طور که در جدول شماره ۷ می‌بینیم در ارزش‌های خانوادگی ضریب همبستگی چندگانه که مقدار همبستگی بین متغیرها را نشان می‌دهد $0/641$ و در سطح بالا است و ضریب تعیین تعدیل شده که برابر با $0/393$ است نشان می‌دهد $39/3$ از کل تغییرات میزان ارزش‌های خانوادگی وابسته به متغیر مستقل دینداری می‌باشد.

میزان F در سطح معنی‌داری قابل قبول و نشان از تأیید این مدل در تبیین ارزش‌های خانوادگی دارد. همچنین در ارزش‌های سیاسی ضریب همبستگی چندگانه که مقدار همبستگی بین متغیرها را نشان می‌دهد $0/090$ و در سطح پایین است و ضریب تعیین تعدیل شده که برابر با $0/003$ است نشان می‌دهد $0/3$ درصد از کل تغییرات میزان ارزش‌های سیاسی وابسته به متغیر مستقل دینداری می‌باشد. میزان F در سطح معنی‌داری غیرقابل قبول و نشان از عدم تأیید این مدل در تبیین ارزش‌های سیاسی دارد. همچنین در ارزش‌های کار ضریب همبستگی چندگانه که مقدار همبستگی بین متغیرها را نشان می‌دهد $0/114$ و در سطح پایین است و ضریب تعیین تعدیل شده که برابر با $0/002$ است نشان می‌دهد $0/2$ درصد از کل تغییرات میزان ارزش‌های کار وابسته به متغیر مستقل دینداری می‌باشد. میزان F در سطح معنی‌داری غیرقابل قبول و نشان از عدم تأیید این مدل در تبیین ارزش‌های کار دارد. نتایج تحلیلی نشان می‌دهد ارزش‌های خانوادگی، سیاسی و کار به ترتیب از ارزش‌های دینی متأثر هستند و مدل تبیین ارزش‌های خانوادگی با ارزش‌های دینی قابل قبول و این مدل در تبیین ارزش‌های کار و سیاست غیرقابل قبول است.

جدول شماره ۵: تحلیل ارزش‌های خانوادگی، سیاسی و کار با ارزش‌های دینی

کار		سیاست		خانواده		
Sig	Beta	Sig	Beta	Sig	Beta	
0/022	-0/048	0/956	-0/002	0/023	0/157	میزان مذهبی بودن
0/531	0/030	0/435	-0/024	0/000	0/295	اهمیت خدا
0/613	0/032	0/068	-0/067	0/039	0/173	آرامش داشتن با دین
0/499	0/033	0/156	0/047	0/913	-0/007	فراوانی نماز
0/982	0/001	0/015	0/087	0/032	0/179	اعتقادات دینی
0/022	-0/104	0/845	0/006	0/293	0/062	کفایت مسئولین مذهبی
1/132		1/666		22/582		F
0/342		0/126		0/000		Sig
18/464		3/194		7/642		Constant
0/114		0/090		0/641		R
0/013		0/008		0/411		R square
0/002		0/003		0/393		R ² adjust

۷- نتیجه‌گیری و بحث

چنانکه گفتیم در جامعه سنتی؛ آزادی فردی و شکل‌گیری ارزش‌ها در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی محدود و با ارزش‌های دینی هدایت می‌شد.

در جامعه مدرن مردم در تصمیم‌گیری برای خود آزادند و در تجزیه و تحلیل‌ها برخی جامعه‌شناسان معتقدند دین بخش قابل توجهی از تأثیر سابق خود را در بیشتر بخش‌های زندگی اجتماعی از دست داده‌است.

عنصر اساسی در تئوری‌های مدرنیزاسیون تغییرات مداوم در همه حوزه‌های زندگی اجتماعی است و بر اساس تئوری تمایز تغییرات در یک حوزه حداقل تا حدودی مستقل از تغییر در دیگر حوزه‌های اجتماعی است.

همچنین امروزه کاهش مشارکت در سازمان‌های مذهبی، تغییرات تدریجی اعتقادات مذهبی، کاهش کارکردهای سنتی کلیسا در جهان مدرن عقلانی، تغییر در رفتارهای فردی و نظام‌های باور، تغییر در باورهای سنتی مذهبی و افزایش چیزی که مذهب شخصی نامیده می‌شود، به کرات گزارش شده و به نظر می‌رسد دین نقش غالب و موقعیت تحمیلی خود را در جوامع معاصر از دست داده و تصور می‌شود رابطه قوی بین مذهب و دیگر حوزه‌های اجتماعی در جوامع معاصر کمتر دیده شود.

برخی نیز با استناد به تئوری قطعه‌قطعه‌شدن ارزش‌ها معتقدند کاهش مذهب بر حوزه‌های گوناگون زندگی اجتماعی یکسان اثر نکرده و در درجه‌اول بر حوزه عمومی و به میزان کمتر بر حوزه خصوصی اثرگذار بوده‌است. بنا براین تئوری می‌توان نتیجه گرفت که مذهب تأثیر متفاوت در دو حوزه عمومی و خصوصی زندگی اجتماعی دارد.

مضاف بر این علیرغم اینکه برخی مدعی‌اند تغییرات در همه کشورها از الگوی واحدی تبعیت می‌کند، عمدتاً دیده شده که تغییرات در جوامع در حوزه‌های مختلف زندگی از نظر زمانی، جهت، شدت و ترتیب با هم متفاوت بوده و از الگوی واحدی تبعیت نمی‌کنند.

تحقیقات متفاوت و نتایج متفاوت منتج از آن این سؤال اساسی را ایجاد می‌کند که در جامعه در حال تحول ما آیا ارزش‌های حوزه عمومی و خصوصی از ارزش‌های دینی تبعیت می‌کند یا خیر و اگر تبعیت می‌کند آیا تأثیر دین بر هر دو حوزه یکسان است؟

در رابطه میان مذهب و عرصه‌های عمومی و خصوصی زندگی اجتماعی سه رویکرد اساسی به چشم می‌خورد:

رویکرد اول نشان می‌دهد در برخی جوامع تأثیر دین بر حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی همانند جوامع سنتی بر تمام ابعاد زندگی جاری و برقرار است.

رویکرد دوم که بر تئوری تمایز استوار است معتقد است، امروزه دین به‌عنوان یکی از حوزه‌های نهادی در زندگی با حوزه‌های دیگر اجتماعی رقابت می‌کند و به‌نظر می‌رسد بخش قابل توجهی از جذابیت خود را در تعداد زیادی از مردم در جهان غرب از دست داده است.

رویکرد سوم بر اساس تئوری قطعه‌قطعه‌شدن ارزش‌ها نشان می‌دهد که تأثیر مذهب بر تمام حوزه‌ها یکسان نبوده و عرصه‌های خصوصی را بیش از عرصه‌های عمومی تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این تحقیق این فرضیه که در جامعه ما ارزش‌های مذهبی بر ارزش‌های خصوصی تأثیر بیشتری دارد تا ارزش‌های عرصه عمومی مفروض است.

داده‌های به‌کاررفته در این تحقیق پیمایشی، داده‌های حاصل از طرح ملی ارزش‌های جهانی در سال-های ۱۳۷۹ و طرح ملی ارزش‌های ایرانیان در سال ۱۳۸۳ و مبتنی بر داده‌های حاصل از پروژه بررسی ارزش‌های جهانی است و در متغیر دینداری از شیوه هالمن، در ارزش‌های خصوصی از ارزش‌های جهانی اینگلهارت و در قلمرو کار از اولویت‌های شغل مناسب زاندرس استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد در ارزش‌های ذکرشده خانواده، کار و سیاست به‌ترتیب مطرحند و در فاصله دو پیمایش اهمیت خانواده و کار تقریباً به قوت خود باقی است و بر اهمیت سیاست افزوده شده است.

همچنین غالب افراد پایبند به ارزش‌های سنتی خانوادگی می‌باشند و در مؤلفه‌های دینی اعتقادات دینی، اهمیت خدا در زندگی و اعتقاد به آسودگی و آرامش با دین بیش از مؤلفه‌های دیگر مدنظر است. در ارتباط میان حوزه خانوادگی و دینداری مشاهده شد که غالب متغیرهای دینی در سطح ۰/۰۵ قابل قبول است. در رابطه میان حوزه سیاسی و کار با دینداری مشاهده شد که غالب متغیرهای دینی در سطح ۰/۰۵ قابل قبول نیست.

نتایج تحلیلی نشان می‌دهد ارزش‌های خانوادگی، سیاسی و کار به‌ترتیب از ارزش‌های دینی متأثر هستند و مدل تبیین ارزش‌های خانوادگی با ارزش‌های دینی قابل قبول و این مدل در تبیین ارزش‌های کار و سیاست غیرقابل قبول است و تأثیر دین بر حوزه خانواده بسیار بیشتر از تأثیر آن بر سیاست و کار است و نتایج تحقیق مؤید تئوری قطعه‌قطعه‌شدن ارزش‌ها است.

مشابه این تحقیق را چنانکه دیدیم الیسون نشان داد که نگرش و رفتارهای وابسته به زندگی خانوادگی مانند انتخاب شریک‌زناشویی، کیفیت زندگی زناشویی، حجم خانواده، زمان تشکیل خانواده، نگرش نسبت به نقش‌های جنسیتی، نگرش‌ها و رفتارهای جنسی تحت تأثیر قوی اعتقادات مذهبی است (الیسون و شرکت، ۱۹۹۳، ۳۱۳).

جاگوزینسکی نشان می‌دهد که ارزش‌های مذهبی اهمیت کمتری در تبیین مشارکت سیاسی و رفتار رأی‌گیری افراد دارد (جاگوزینسکی، ۱۹۹۶).

همچنین مشابه این نتایج در تحقیقات برگر و لاکمن دیده می‌شود. تأثیر تضعیف مذهب به خصوص در عرصه سیاسی اجتماعی در مقابل مسائل مربوط به زندگی خانوادگی خصوصی در تحقیقات این دو نشان داده شده است (برگر، ۱۹۶۹، ۱۲۹-۱۳۴؛ لاکمن، ۱۹۶۷، ۸۵).

بلا نیز نشان داده تأثیر مذهب در بخش خصوصی نسبت به حوزه عمومی اجتماعی قوی‌تر خواهد بود (بلا و همکاران، ۱۹۸۶، ۲۳۱).

فن نشان داده دین مجبور به عقب‌نشینی بیشتر از دامنه‌های عمومی داشته است در حالی که نفوذ آن در امور مربوط به زندگی خانوادگی و رشد شخصی باقی مانده است (فن، ۱۹۷۲، ۳۱).

ویلسون نشان می‌دهد در مسائل مربوط به روابط بین‌فردی، چهره به چهره، در ابراز احساسات و همدلی افراد خانواده، اظهار عشق و دوستی میان افراد و روابط همسایگی ارزش‌های دینی برقرار است (ویلسون، ۱۹۷۶، ۶).

تامنی و جانسون نیز نفوذ بیشتر دین به قلمرو خصوصی نسبت به قلمرو عمومی را نشان می‌دهند (تامنی و جانسون، ۱۹۸۵، ۳۶).

همچنین دیویدسون و کادل (۱۹۹۴) و لیندست، لیستاگ (۱۹۹۴) نشان می‌دهند که مذهب تا حد زیادی با تجربه کار بی‌ربط است.

در بررسی عامل این وضعیت هالمن معتقد است که علت تفاوت‌ها در نظریه‌های تضعیف تأثیر دین در حوزه‌های دیگر اجتماعی ناشی از تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی میان کشورها است (هالمن، ۱۹۹۶). همچنین تأثیر متفاوت دینداری بر حوزه عمومی و خصوصی و تأثیر بیشتر آن بر حوزه خصوصی در ایران را می‌توان در تحقیقات مرتضی زین‌آبادی، پارسامهر، عباس روحانی و منصور سودانی نیز مشاهده کردیم. به جهت اهمیت موضوع و نقش آن در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی تحقیقات کمی و کیفی عمیق‌تر پیشنهاد می‌شود.

فهرست منابع

۱. آزادارمکی، تقی، غیاثوند، احمد، ۱۳۸۳، جامعه‌شناسی تغییرات فرهنگی در ایران، آن، تهران.
۲. اینگلهارت، رونالد، ۱۳۷۲، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، مریم وتر، کویر، تهران.
۳. اینگلهارت، رونالد، نوریس، پیپا، ۱۳۸۷، مقدس و عرفی: دین و سیاست در جهان، مریم وتر، کویر، تهران.
۴. پارسامهر، مهربان، دیوند، فائزه، ۱۳۹۰، بررسی رابطه بین میزان دینداری والدین با خشونت میان‌فردی فرزندان پسر دبیرستانی، مجله روانشناسی و دین، سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰: ۷۱-۸۷.

۵. حبیب‌پور، کرم، صفری، رضا، ۳۸۸، راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی (تحلیل داده‌های کمی) متفکران، تهران.
۶. روحانی، عباس، معنوی‌پور، داود، ۱۳۸۸، رابطه عمل به باورهای دینی با شادکامی و رضایت زناشویی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه، مجله دانش و پژوهش در روان‌شناسی، شماره ۳۵: ۲۰۶ - ۱۸۹.
۷. زین‌آبادی، مرتضی، ۱۳۸۵، بررسی رابطه نگرش مذهبی و نگرش جنسیتی با الگوهای خانوادگی.
۸. سودانی، منصور، محمدی، کبری، احیاکننده، منیژه، ۱۳۸۸، بررسی رابطه دینداری با رضایت زناشویی دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز، ارائه سخنرانی در چهارمین کنگره ملی آسیب‌شناسی خانواده.
۹. کرلینجر و پدهازور، ۱۳۷۳، رگرسیون چندمتغیری در پژوهش رفتاری، حسن‌سرای، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
۱۰. موحد، مجید، عنایت، حلیمه، ۱۳۸۵، اسلام و دموکراسی بررسی جامعه‌شناختی رابطه میان دینداری و تمایل به دموکراسی، مجله مطالعات اجتماعی ایران، شماره ۱.
11. Davidson , J.C. and D.P. Caddell (1994). 'Religion and the Meaning of Work'. Journal for the Scientific Study of Religion 33: 135-147.
12. Fenn, R.K. (1972). 'Toward a New Sociology of Religion'. Journal for the Scientific Study of Religion 11: 16-32.
13. Ellison , C. and D. Sherkat (1993). 'Obedience and Autonomy: Religion and Parental Values Reconsidered'. Journal for the Scientific Study of Religion 32: 313-329.
14. Halman, L. and T. Pettersson (1996). Morality and Religion: A Weakened Relationship?. Tilburg: WORC.20.
15. Halman, L. and A. Vloet (1994). Measuring and Comparing Values in 16 Countries of the Western World. Tilburg: WORC.
16. Jagodzinski, W. (1996). 'The Transformation of the Religious Cleavage in West European Party Systems'. Paper presented at the 13th Nordic Conference in Sociology of Religion Religion and Politics, Lund, August 15-18.
17. Tamney, J.B. and S.D. Johnson (1985). 'Consequential Religiosity in Modern Society'. Review of Religious Research 26: 360-378.